

ضرورتی برای توقف تصویب قوانین



حامد شمس
مدیرکل روابط عمومی صندوق
بازنشستگی کشوری

صندوق‌ها و حل بحران آنها را در کنار چند مسئله کلیدی خاص مانند آب و محیط زیست در نظر داشته باشد. صندوق‌ها چنان درگیر مشکل مالی و تکالیف متعدد هزینه‌ای هستند که اگر کمک ۳۰ هزار میلیارد تومانی دولت به آنها نباشد؛ عملاً از عهده تعهداتشان برنخواهند آمد. صندوق‌ها در واقع به‌مثابه هیولایی هستند که اگر به زودی راهکاری برای آنها اندیشیده نشود، در پنج سال آینده تمام بودجه جاری و عمرانی کشور را می‌بلعند. اگر بخواهیم نیمه پر لیوان را ببینیم، باید از کشورهای در حال توسعه که وضعیتی مشابه صندوق‌های ایران داشته‌اند؛ الگوبرداری کرده و از تجارب آنها استفاده کنیم.

اما آنچه نباید فراموش کرد این است که موضوع صندوق‌های بازنشستگی یک مسئله چندوجهی است که با یک راه حل ساده برطرف نخواهد شد. ابتدا باید این عزم در دولت و مجلس ایجاد شود که معضل صندوق‌ها را به رسمیت بشناسد و پس از آنکه این عزم جدی ایجاد شد، باید راه حل‌های هم‌زمان در آغاز کار برنامه‌ریزی شود. در شرایط فعلی، پیش از اصلاح قوانین اتخاذ شده در سه دهه گذشته، باید این اجماع به وجود آید که دیگر قانون جدیدی مانند بازنشستگی پیش از موعد با هزینه‌ها و بار مالی زیاد تصویب نشود. نکته دیگر اینکه موضوع قانون‌گذاری در خصوص صندوق‌ها تبدیل به تابو شده و از جهت سیاست‌گذاری عمومی با توجه به عمق فاجعه، این تابو باید شکسته شود. شورای نگهبان نیز با حساسیت بیشتر بر موضوع صندوق‌ها، تمام قوانین مصوب در مجلس را از نظر مغایرت با اصل ۷۵ (برآورد میزان بار مالی قانون) مورد بررسی قرار دهد.

نکته بعدی اینکه دستگاه‌هایی که مقررات و ضوابطی برای افزایش بی‌ضابطه حقوق پرسنل خود در نظر گرفته بودند و در هنگام بازنشستگی این افزایش حقوق‌ها، بار مالی زیادی را به صندوق بازنشستگی تحمیل می‌کند از افزایش بی‌رویه دستمزدها جلوگیری کنند. از این رو لازم است یک ستاد نظارت ایجاد شود تا میزان حقوق و مزایای پرسنل دستگاه‌ها را با ضوابطی در سطح معقولی حفظ کند. آخرین نکته آنکه نیازمند یک نظارت بسیار جدی برای پرهیز از ورود صندوق‌ها به منازعات سیاسی هستیم. عزل و نصب‌های متعدد و مکرر در صندوق‌ها از سوی دولت‌های مختلف، بی‌ثباتی نامطلوبی را ایجاد می‌کند. با ورود سیاست به تصمیمات مدیریتی صندوق‌ها، علاوه بر نبود امکان اجرای طرح‌های کارا، ضربه‌پذیری صندوق‌ها نیز افزایش خواهد داشت.

وضعیت صندوق‌های بازنشستگی در کشور ما از جهت استراتژیک، شباهت زیادی به مقوله آب و محیط زیست دارد. به عبارت ساده‌تر هرآنچه مربوط به آینده و جزء آینده‌نگری به شمار می‌آید، مورد غفلت سیاست‌گذاران قرار گرفته است.

در شرایط فعلی، به‌قدری بحران آب و محیط زیست در عرصه سیاست‌گذاری کشور، جدی شده که در زمره اولویت‌های برنامه ششم توسعه کشور قرار گرفته است. در بخش آب‌های روزمینی شدت مصرف آب تا حدی پیش رفت که خشکی دریاچه ارومیه، بختگان و مهارلو رخ داد و در بخش آب‌های زیرزمینی به‌قدری برداشت بی‌رویه صورت گرفت که با بحران فزاینده فرونشست زمین مواجه شده‌ایم. اکنون همین فضا و همان اتفاق با مختصاتی متفاوت در مورد صندوق‌ها پیش آمده است. واقعیت مسلم اینکه در باب صندوق‌های بازنشستگی نیز مانند آب و محیط زیست، آینده‌خواری کرده‌ایم. از دهه ۵۰ هم‌زمان با شکل‌گیری صندوق‌ها، از آینده و بازدهی آتی صندوق‌ها غفلت کردیم. سیاست غالب از این ستون به آن ستون فرج است؛ برنامه غالب مسئولان شده بود و به تنها موضوعی که فکر نکردیم، سررسید تعهداتی بود که روز به روز بر تعدادش افزوده می‌شد.

در تمام دوره‌های مختلف، یک اتفاق مشترک افتاده است. از زاویه دیگر، مسئله صندوق‌ها مانند اتفاقی است که در حوزه یارانه‌های پرداختی افتاد. ما سال‌ها می‌دانستیم که نظام پرداختی یارانه به نفت، گاز و بنزین و حتی گندم، نظام صحیحی نیست و حراج داشته‌های کشور است؛ اما به دلیل ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی همواره تصمیم به اصلاح آن به زمانی دیگر موکول می‌شد. با وجود تکلیف قانونی که دو دهه بر عهده دولت‌ها گذاشته شده بود؛ تصمیم قاطع نگرفتیم و زمانی که تصمیم گرفتیم؛ بدترین سیاست را اتخاذ کردیم. امروز این نگرانی وجود دارد که آن قدر از ترس تبعات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی درباره وضعیت بحرانی صندوق‌ها تصمیم نگیریم که یک روز ناگزیر به اتخاذ بدترین تصمیم شویم. به نظر می‌رسد دولت در برنامه ششم توسعه باید موضوع

مسئله
صندوق‌ها
مانند اتفاقی
است که در
حوزه یارانه‌های
پرداختی اتفاق
افتاد. ما سال‌ها
می‌دانستیم که
نظام پرداختی
یارانه نظام
صحیحی
نیست و حراج
داشته‌های
کشور است؛
اما به دلیل
ابعاد سیاسی،
اقتصادی و
اجتماعی
همواره تصمیم
به اصلاح آن
به زمانی دیگر
موکول می‌شد